Payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۸۶۳
چهارشنبه ۳۰/ مهر/ ۱۴۰۴
۲۹/ ربیع الثانی/ ۱۴۴۷
22 / October / 2025

صاحب امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: بافره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶-فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸
چاپ: کارگر

فال ۱۹۷ امروز با حافظ

مردم چشمم به خون آغشته شد
در کجا این ظلم بر انسان کنند؟
خوش برآ با غصه، ای دل! کاهل راز
عیش خوش در بوته هجران کنند

طنز

خویشتن را خیر خواهی
خیر خواه خلق باش
زآن که هرگز بد نباشد
نفس نیک اندیش را

سعدی

فال کوچ — اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۵۵	۰۶:۱۹	۱۱:۵۰	۱۷:۲۰	۱۷:۳۹

برگه

هر روز یک فرصت جدید است. هیچ وقت از شروع دوباره خسته نشوید...

مارک تواین

گزارش روز

تماشاخانه شرم‌الشیخ؟!

چه باید کرد؟ تسلیم مردان دیوانه شد و در تماشاخانه آنان حضور داشت؟ یا از مرد دیوانه نهراسید؟ ایران با شرکت نکردن در تماشاخانه شرم‌الشیخ نشان داد اعتباری برای استراتژی مردان دیوانه قائل نیست. همان سه گانه‌ای که به عنوان بنیان روابط خارجی و سیاست خارجی مطرح شده است «عزت، حکمت و مصلحت» همین است. آمادگی کامل کشور در برابر امور پیش‌بینی نشده، اعتماد نکردن به آمریکا و نهراسیدن از مرد دیوانه!

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایران، ترامپ پدیده است! «پدیده» چیست؟ معنای مشهور پدیده «رویداد قابل مشاهده» است. چیزی یا امری که پدید می‌آید. «پدیدارشناسی» هم از همین خانواده است. «کانت» از همین زاویه «فنومن» phenomenon را تصویری از «نومن» nomen دانست. اما در فارسی امروز، گاه وقتی می‌گوییم قلانی پدیده است، منظورمان انسانی یا امری غیر قابل پیش‌بینی، غیر مأنوس و غیر متعارف است. انسانی که به دلیل رفتار یا سخن ویژه‌اش، ناگاه یا ناگاه‌ها به سمتش خیره و دهان‌ها از تعجب باز می‌ماند. افراد سری تکان می‌دهند که پدیده است! پدیده به «امر نوظهور و بی‌مانند در گذشته» نیز معنا شده است. چنانکه فردوسی در مقدمه شاهنامه در اشاره به داستان آفرینش جهان سروده است.

پدید آمد این گنبد تیز رو
شگفتی نماینده تو به تو

آمریکا و جهان چنین پدیده شگفتی با مشخصات ترامپ را به خواب هم ندیده بود. برای همین شاهد تظاهرات مردمان آمریکا در بنجاه ایالت علیه ترامپ بودیم. می‌گویند «شاه نمی‌خواهیم» یعنی ترامپ به جای اینکه رئیس‌جمهوری آمریکا باشد و بر اساس قانون عمل کند، شاه شده است و می‌خواهد اعمال اراده کند. رفتار و روش و گویش و آداب ندانی ترامپ به تمام معنی بی‌سابقه است. شبیه ترامپ در دنیای تجارت و دلالی و سینما و ماقبا و پدرخوانده بوده است. گرچه در دنیای پدرخوانده‌گی هم شخصیت نمادین «دون کورلئونه» (با بازی مارلون براندو) را در فیلم «پدرخوانده» با ترامپ مقایسه کنید! دون کورلئونه شخصیتی باوقار و با تأمل و سنجیده و گزیده گوست. جنایت را در همین سبک و سیاق سامان می‌دهد. اما ترامپ مدام با عشوه و کرشمه اشاره می‌کند که قدرتمندترین و ثروتمندترین کشور دنیاست. مع‌الوصف، به نماینده امارات در شرم‌الشیخ می‌گوید «شما خیلی پول دارین ها! خیلی!» بی‌نظیر است. چگونه می‌توانیم پدیده ترامپ را بشناسیم، رفتار او را درک کنیم و واکنش یا کنش مناسب و مؤثر درباره او یا در برابر او داشته باشیم؟ در این «حسب حال» توجهم بر کنفرانس صلح شرم‌الشیخ است. کنفرانسی که ایران با پیش‌بینی و سنجش خردمندانه و منطقی و موجه در آن شرکت نکرد و بازیگر بیهوده بی‌نقش در نمایشنامه ترامپ نشد.

برای کنفرانس شرم‌الشیخ تعبیر «تئاتر ترامپ» را به کار بردم. در واقع «پدیده ترامپ» از صلح در غزه «پدیده» دیگری ساخت. مانند مذاکره با ایران. در سفر نتانیاهو به آمریکا در کنفرانس خبری مشترک، ترامپ طرح صلح غزه را مطرح کرد. به نظر می‌رسد طرح صلح ترامپ اول در تل‌آویو تنظیم شده است. گفت اگر فلسطینی‌ها این طرح صلح را نپذیرند، جهنم به پا می‌کند. غزه را نابود می‌کند. فلسطینی‌ها را نابود می‌کند. به گمانم ترامپ تنها رهبر یا رئیس‌جمهوری در آمریکاست که برای تهدید مخالفان خود به تکرار و علشقانه، از واژه «جهنم» استفاده می‌کند. حتی جرج بوش پسر که افغانستان و عراق را اشغال کرد، نگفت من جهنم بر پا می‌کنم. این موضع ترامپ همان تاکتیک یا استراتژی «مرد دیوانه» است. همه را وحشت‌زده می‌کند تا به خواسته‌اش تن دهند. همه از او وحشت کنند که رفتاری غیر قابل پیش‌بینی و دهشتناک خواهد داشت. اگر تسلیم نشوند نابود خواهند شد. این نظریه در زمان ریچارد نیکسون، از سوی هنری کیسینجر نظریه‌پردازی شد. می‌خواستند ویتنام شمالی را به هر وسیله به پای میز مذاکره بکشانند. از طریق برخی واسطه‌ها به «ویت‌کنگ»ها پیام دادند که «نیکسون دیوانه است. ممکن است از بمب اتمی علیه ویتنام استفاده کند.» ویتنامی‌ها مذاکرات را پذیرفتند اما سلاح خود را بر زمین نگذاشتند. استراتژی مرد دیوانه شکست خورد. دولت وابسته ویتنام جنوبی که عامل و ابزار سلطه آمریکا بود ترو باشید. شکست با گریز سفیر آمریکا و مدیران سازمان سیا از پشت‌بام سفارت در سایگون حالتی نمادین پیدا کرد. عکس «هوبرت ون اس» عکاس هلندی از صحنه قرار «سقوط سایگون» نام گرفت. فقط سقوط سایگون نبود. استراتژی نیکسون به عنوان مرد دیوانه سقوط کرد.

ترامپ سال‌ها پس از شکست مرد دیوانه در ویتنام و نیز شکست در افغانستان این استراتژی را درباره فلسطین تکرار کرده است. تفاوت ترامپ با جرج بوش پسر و تیم نئوکان‌های دولت بوش، شخصیت ویژه ترامپ است. هم مرد دیوانه است و هم شبیه دلال‌های پیر و سرد و گرم چشیده شوخ و مهربان می‌نماید. حرکات نمایشی مسرت‌بخش انجام می‌دهد. مزه می‌ریزد. شوخی می‌کند. می‌پیچاند. در عین حال از جهنم می‌گوید. وقتی لایه‌های مختلف رفتار و گفتار او را به‌دقت بررسی می‌کنیم، پیداست که دولت ولایی آبیک و نتانیاهو در تصمیم‌سازی و بلکه تصمیمی‌گیری‌های ترامپ به شیوه‌های مختلف نفوذ دارند. از جمله از طریق «کوشنر» داماد صهیونیست و دخترش «ایوانکا» که ترامپ اعلام کرد: «آنقدر دختر م عاشق اسرائیل است که یهودی شده است.»

مشخصات مرد دیوانه دلال مدرن چیست؟

سیطره ادب و قرهنگ دلالی و زیر و رو کشی و چند پهلویی حرف‌ها در سیاست. آمیختن ساحت عمومی با رسمی، شوخی با جدی. معلوم نیست چه می‌گوید. به قول اصولی‌ها «مراد جدی»اش هیچ‌گاه معلوم و مفهوم نیست. حرف‌های مبهم چند پهلو و به قول قآنی نعل را وارونه زدن:

تا که ردّ سمّ اسبت گم کنند
ترکمانا نعل را وارونه زن

به قول ترامپ، بایست مشتری را در معامله پیچاند. مشتری نبایست بفهمد قروشنده یا خریدار در دهنش می‌گذرد. ترامپ بر خلاف اکثر روسای جمهوری آمریکا، نه سابقه نظامی دارد و نه سابقه سیاسی. نه ژنرال بوده است و نه فرماندار و نه سناتور. انگار از چراغ جادوی علاءالدین دودی به آسمان بلند شد و ترامپ به میانه میدان سیاست و اداره آمریکا -و چنانکه خودش باور دارد- برای اداره جهان پرتاب شد. مهم‌ترین سخن گره‌گشای او این است: «کشور را بایست همانند بیزنس اداره کرد.» پرکاربردترین واژه در قرهنگ ترامپ «معامله» است. در بیزنس هم تجربه و شیوه ترامپ نوعی بندبازی مکارانه و بهره‌گیری از قرصت‌ها، خلق قرصت‌ها، نابود کردن قرصت‌های رقیب و حتق رقیب بوده است. در کتاب «هنر معامله» برای تأسیس و ساخت اولین کازینوی خود، توضیح داده است که چه راه‌های پر پیچ و خمی رفته و چه دوز و کلک‌هایی سوار کرده است. یا بین مالکان زمین کازینو چگونه اختلاف می‌اندازد. با هر کدام به زبانی و شیوه‌ای سخن می‌گوید. کلاه این را بر می‌دارد سر آن یکی می‌گذارد. جیب یکی را می‌زند پول را توی جیب رقیبش می‌گذارد. سرانجام یک تنه مالک هتل کازینوی ترامپ- پلازا می‌شود. تصور کنید در یک معامله، طرفی می‌خواهد جنسی را بفروشد و دیگری بخرد. به ازای بهای خرید می‌خواهد جنس دیگری را تاخت بزند و طرفی که جنس را تاخت زده است همزمان می‌خواهد همان جنس را قی‌الدسجلس به دیگری که در صحنه حاضر است، بفروشد. ترامپ دارد این معامله را جوش می‌دهد. نماینده سه طرف ماجرا و معامله یعنی قروشنده و خریدار و نیز نماینده خریدار دوم است.

همزمان می‌خواهد از خریدار دوم جنس را برای خودش بخرد. به این ماجرا ابعاد وسیع‌تری بدهید. کشورها اطراف ماجرا هستند. طرح جنگ و صلح و تجارت و افزایش یا کاهش تعرفه‌ها. کلاف سردرگمی که پدیده ترامپ، کشورها را در چنان کلاف یا «لابیرنتی» به بازی گرفته است.

این شیوه یا بازی با اوکراین و روسیه و چین و هند و ایران و فلسطین و ونزوئلا نیز تکرار شده است. کنفرانس شرم‌الشیخ نمونه درجه اولی برای شناخت پدیده پیچیده و البته مبتذل ترامپ است. در سخنرانی کنیسه اسرائیل، سران کشورها به ویژه کشورهای عربی را مسخره کرد و گفت: «حالا من که دارم می‌رم، آیا اونا هنوز هستند؟ یا سوار هواپیماهای ایرباس ۷۴۷ شان شدن و رفتن؟ فقط دوتا از رهبران تقیر مانده‌اند.»

در سخنرانی شرم‌الشیخ درست مانند کارگردان یک نمایشنامه رفتار کرد. بازیگران یعنی رهبران کشورها به صف پشت سرش ایستاده‌اند. کارگردان با طنز و متلک و اهانت سخن می‌گوید. دست‌کم در تئاتر کارگردان به بازیگران اهانت نمی‌کند.

«عراق کجاست؟ خیلی نفت دارن، اما نمی‌دونن با هاش چه کار باید بکنن.»

«موسیو انگلیس کجاست؟ بیا اینجا!» استارمر آمد. گردنش را راست گرفت که لابد چند کلمه‌ای حرف می‌زند تا ترامپ از لهجه‌اش تعریف کند. اما ترامپ گفت: «برو سر جاتا» و شاخ شکسته برگشت کنار دیوار.

«برخی از شماها که اینجا هستید، دوستتان ندارم. اصلاً دوستتان ندارم. من نمی‌گویم چه کسانی، خودشان می‌دانند. شما هم حدس می‌زنید.»

«امارات متحده کجاست؟ نیامده. اما روحش اینجاست.»

نمایندگان کشورهای حاضر در نمایشنامه تکبردهای ترامپ، متن پیشنهاد صلح او و اسرائیل را امضا کردند. قرار شد مصر و ترکیه و قطر و آمریکا بر آتش‌بس نظارت کنند. اسیران زنده و مرده و اسیران فلسطینی و اجساد شهیدان فلسطینی مبادله شوند. ترامپ گفت: «نتانیاهو می‌تواند جنگ غزه را ادامه دهد» چرا چنین سخنی گفت؟ برای اینکه صلح غزه نمایشنامه و فریب بود تا گروگان‌های اسرائیلی که تبدیل به قشار سنگینی از سوی افکار عمومی در اسرائیل شده بود، آزاد شوند. حمایت بی‌چون و چرای ترامپ از نتانیاهو موقعیت ضعیف نتانیاهو را تقویت کند. به صهیونیست‌ها که آمادگی تحمل جنگی طولانی را نداشته‌اند، پیام بدهد که آمریکا با تمام توان و امکان در کنار اسرائیل است. حتی اسلحه‌هایی را به اسرائیل می‌دهد که ترامپ هم اسمشان را نشنیده است! پیداست که طرح صلح غزه در اصل پیشنهاد نتانیاهو بوده است. به محض اینکه گروگان‌ها آزاد شدند، نتانیاهو معبر رفح را بسته! اعلام کرد تا تسلیم و خلع سلاح حماس جنگ ادامه دارد. ناظران بر آتش‌بس، از جمله مصر که بایست بر معبر رفح نظارت کند، سکوت کرده‌اند. غرب آسیا با دو مرد دیوانه، ترامپ و نتانیاهو که دو روی یک سکه‌اند، روبارو است. چه باید کرد؟ تسلیم مردان دیوانه شد و در تماشاخانه آنان حضور داشت؟ یا از مرد دیوانه نهراسید؟

ایران با شرکت نکردن در تماشاخانه شرم‌الشیخ نشان داد اعتباری برای استراتژی مردان دیوانه قائل نیست. همان سه گانه‌ای که به عنوان بنیان روابط خارجی و سیاست خارجی مطرح شده است «عزت، حکمت و مصلحت» همین است. آمادگی کامل کشور در برابر امور پیش‌بینی نشده، اعتماد نکردن به آمریکا و نهراسیدن از مرد دیوانه!

سید عطاالله مهاجرانی

مکث

روزی یک‌میلیارد تومان؛ درآمد جراح قلابی

"ما در تهران مداخله‌گری داشتیم که از طریق جراحی‌های زیبایی روزانه ۵۰۰میلیون تا یک‌میلیارد تومان درآمد داشت. خودش جراحی انجام می‌داد و فقط از مهر پزشکان دیگر استفاده می‌کرد. این افراد معمولا زمانی دستیار پزشک بودند یا زمانی برای یک پزشک کارهای فضای مجازی انجام می‌دادند و چون در کنار پزشک به شکل ظاهری و تجربی کار را دیده‌اند، احساس می‌کنند که خودشان هم می‌توانند این کار را انجام دهند. اما هنگام عمل اگر حادثه‌ای اتفاق بیفتد، کاری از دستشان ساخته نیست."

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری، «مرگ زن جوان در جراحی زیبایی بینی، ایست قلبی هنگام اسلیو معده، تزریق ژل زیبایی جان دختر جوان را گرفت و...» اینها فقط نمونه‌هایی از جراحی‌های زیبایی است که منجر به مرگ یا صدمه به افرادی شده که به‌دنبال زیبایی بوده‌اند؛ حوادث تلخی که این روزها نه‌تنها تکرار که آمار آنها نیز بیشتر می‌شود. اما پشت پرده جراحی‌های زیبایی مرگبار چه افرادی حضور دارند و این حوادث تلخ چطور اتفاق می‌افتد؟ قاضی مهدی صانعی، بازپرس دادسرای رسیدگی به جرائم پزشکی در برنامه تلویزیونی سرنخ همشهری به این پرسش‌ها پاسخ داد که گزیده آن در ادامه می‌آید.

جراحی‌های دردسرساز

آمار دقیقی از جراحی‌های زیبایی که دچار مشکل می‌شوند، وجود ندارد. اما یک‌سری از عمل‌ها برای زیبایی صورت انجام می‌شود؛ مثل لیفت شقیقه، لیفت صورت یا تزریق ژل و بوتاکس یا جراحی زیبایی بینی و یک‌سری عمل‌های دیگر به زیبایی بدن مربوط می‌شود؛ مثل ماموپلاستی، لیپوساکشن، ابدومینوپلاستی و... در بین عمل‌های زیبایی مربوط به صورت معمولا عمل زیبایی بینی از لحاظ اینکه منجر به فوت شود، آمار بیشتری دارد؛ چون کنترل خطر جراحی دشوار است. بین عمل‌های زیبایی مربوط به بدن هم عمل‌هایی مثل لیپوساکشن درصد بیشتری احتمال فوت دارند. بعضی از جراحی‌ها هم مستقیم برای زیبایی نیستند اما به شکل غیرمستقیم موجب زیبایی می‌شود؛ مثل اسلیو معده یا بای‌پس که افرادی که اضافه وزن دارند متقاضی چنین جراحی‌هایی هستند. این عمل هم به‌شدت عمل تهاجمی است و اگر به‌درستی مدیریت نشود، می‌تواند خطرناک باشد.

مافیای جراحی زیبایی

مداخله‌گرانی (جراحان غیرمجاز) داریم که گستره کارشان بسیار وسیع است. مثلا پزشک استخدام می‌کنند که فقط از مهرشان استفاده کنند. پزشکانی داریم که فقط در اتاق عمل حضور پیدا می‌کنند تا مداخله‌گران به نام آنها کار کنند؛ مثلا در تهران مداخله‌گری داریم که آنکتر صاحب نفوذ است که اگر جراحی بخواهد در تهران کارش را شروع کند، اول باید مدتی با این شخص کار کند. البته این افراد معدود هستند. آنها معمولا در فضای مجازی صفحه‌های زیاد و پرمخاطبی دارند و هر شخصی که در فضای مجازی به‌دنبال پیدا کردن جراح زیبایی باشد، خودشه یا ناخودشه به این افراد مراجعه می‌کند و بیماران مراکز درمانی را این افراد تامین می‌کنند. خیلی از پزشکان تازه‌کار برای شروع کارشان مجبور هستند با چنین افرادی کار کنند.

درآمد یک‌میلیاردی در یک روز

ما در تهران مداخله‌گری داشتیم که از طریق جراحی‌های زیبایی روزانه ۵۰۰میلیون تا یک‌میلیارد تومان درآمد داشت. خودش جراحی انجام می‌داد و فقط از مهر پزشکان دیگر استفاده می‌کرد. این افراد معمولا زمانی دستیار پزشک بودند یا زمانی برای یک پزشک کارهای فضای مجازی انجام می‌دادند و چون در کنار پزشک به شکل ظاهری و تجربی کار را دیده‌اند، احساس می‌کنند که خودشان هم می‌توانند این کار را انجام دهند. اما هنگام عمل اگر حادثه‌ای اتفاق بیفتد، کاری از دستشان ساخته نیست.

فریب در فضای مجازی

پزشکان قلابی در فضای مجازی خودشان را متخصص معرفی می‌کنند و صفحاتی در اینستاگرام دارند که بسیار پرمخاطب هستند. فردی که واقعا پزشک باشد باید صفحه‌اش در فضای مجازی به نام خودش باشد، اما پزشکان قلابی معمولا از نام‌های کلی مثل بلفاروپلاستی، کلینیک‌بیوتی، ابدومینوپلاستی و... بهره می‌برند. یکی از شگردهای این افراد عکس‌هایی است که از قبل و بعد از عمل منتشر می‌کنند که اغلب آنها ساختگی است.

اتاق عمل اجاره‌ای

قبلا جراحی‌های غیرمجاز در مکان‌های غیرمجاز انجام می‌شد، اما الان متأسفانه در بعضی از بیمارستان‌ها اتفاق می‌افتد. البته بیشتر در بیمارستان‌های خصوصی. آنها یک اتاق عمل را اجاره و در آنجا کار می‌کنند.

جراحان قلابی چه کسانی هستند؟

آنچه منجر به فوت یا صدمات شدید می‌شود، توسط ۲ دسته از افراد انجام می‌شود: دسته اول پزشکانی که خارج از دستورالعمل وزارت بهداشت اقدام به جراحی زیبایی می‌کنند؛ مثلا یک پزشک عمومی حق انجام عمل بینی را ندارد و چون آموزش لازم را ندیده نمی‌تواند شرایط را کنترل کند و منجر به فوت می‌شود. گروه دوم که مهم‌تر است افرادی هستند که اصلا پزشک نیستند و خودشان را پزشک معرفی می‌کنند یا افرادی که پزشک هستند جراحی را به این افراد واگذار می‌کنند؛ یعنی در اتاق عمل حاضر می‌شوند، اما جراحی را انجام نمی‌دهند. این اقدام به این دلیل است که مثلا یک پزشک روزی ۲۰ مورد جراحی را قبول می‌کند، اما مسلم است که خودش نمی‌تواند همه را انجام دهد و آن را به دیگری که متخصص نیست، واگذار می‌کند.

برش

ناسا زمان پایان حیات روی زمین را محاسبه کرد

ابررایانه‌های ناسا با همکاری دانشگاه توهوکو ژاپن، زمان پایان حیات روی زمین را محاسبه کرده‌اند. این پژوهش هشدار می‌دهد که پایان حیات انسان‌ها می‌تواند بسیار زودتر از تصورات پیشین فرارسد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از گجت نیوز، این مطالعه که با همکاری دانشگاه توهوکو ژاپن انجام شده، نشان می‌دهد که مدت زمان امکان حیات روی زمین به طول عمر خورشید بستگی دارد و انبساط و گرم شدن تدریجی خورشید، عامل اصلی این رخداد خواهد بود.

پایان حیات برای تمامی موجودات

ابررایانه‌های ناسا و دانشگاه توهوکو تخمین می‌زنند حیات برای تمامی موجودات زمین در سال ۱,۰۰۰,۰۰۲,۰۲۱ میلادی پایان یابد. علت، بزرگ و داغ شدن خورشید و غیرممکن شدن بقا برای هر از گانیسمی است.

پایان زودهنگام‌تر برای انسان‌ها

پایان حیات برای انسان‌ها بسیار زودتر خواهد بود. گرمایش خورشید، اتمسفر را تغییر داده، اکسیژن را کاهش داده و دما را بالا می‌برد.

فوران‌های تاج خورشیدی اکنون اکسیژن جو را کم می‌کنند؛ تغییرات اقلیمی انسانی نیز روند را تسریع می‌کنند؛ تاریخ دقیقی برای بشر نیست، اما شرایط محیطی زودتر دشوار می‌شود.

راهکارهای بقا و آینده بشریت

حیات تدریجی پایان می‌یابد. نه ناگهانی. آمادگی و انطباق‌پذیری برای آینده بشریت از اکنون حیاتی است. راه‌حل‌ها شامل پشتیبانی حیات بسته، زیستگاه‌های مصنوعی و طرح‌های مهاجرت فضایی، از جمله ماموریت‌های مریخ (ناسا و اسپیس‌ایکس) است.